

# سخن اول

مجله‌نامه مطالعات نازیفی

پیش از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دو نهضت مهم و تاریخی در ایران رخ نمود: مشروطه و ملی شدن صنعت نفت. هر دو جنبش در گامهای نخست خود با پیروزی همراه بودند، اما دو کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ طعم شیرین آنها را با بازگشت دیکتاتوری تلخ کرد و هر دو زیر سایه اختناق پهلوی اول و دوم محو شدند. این دو نهضت به دلایلی چند مبنایی برای پیدایش حرکت‌های سیاسی پس از خود نشدند. از آن جمله است؛ ۱- در سطح رهبری: جدا شدن رهبران از نهضت و ناتوانی یا عدم امکان بازگشت آنان به رهبری، جایگزین نشدن رهبران جدید، و از همه مهم‌تر تفرق اختلاف بین آنان؛ ۲- در سطح توده‌ها: مشارکت کم دوام، پایداری موقت و برخورداری محدود از دانش سیاسی - اجتماعی؛ ۳- در سطح سیاسی: تغییرات محدود (رفرم) و نه دگرگونی کامل (انقلاب) از مشخصات دو نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت به شمار می‌روند. طرفه اینکه محمدرضا پهلوی مانعی برای مصادره این دو جنبش به نفع سیاست‌های عوام‌فریبانه خود نمی‌دید. او در ۱۴ مرداد ۱۳۲۹ از مشروطه‌ای که به گواه تاریخ به دست پدرش شکست خورده بود چنین یاد کرد: «جای بسی خوشوقتی است که کشور... در اثر فداکاری و از خودگذشتگی رجال خدمتگزار خود تنها راه نیل به سعادت و تعالی که همان مشروطیت و حکومت ملت است، مانند سایر ملل مترقی جهان اختیار و از ثمرات آن برخوردار باشد.» همو در ۲۸ اسفند ۱۳۳۹ با جدا کردن حساب سران نهضت از ملی شدن صنعت نفت و تحقیر آنان، از این اقدام به عنوان یک «فکر مقدس» یاد کرد و آن را «کوتاه کردن دست خارجی» خواند و در واقع آن را ستود. شاه بارها از هر دو پدیده که یکی با محتوایی سیاسی و دیگری با ماهیت اقتصادی درصدد تحدید سلطه داخلی و خارجی بودند، با نیکویی یاد می‌کرد! قیام ۱۵ خرداد اما، در عین مشابهت‌هایی که با دو نهضت پیش گفته دارد، از چند تفاوت آشکار نیز برخوردار است. خونهای به زمین ریخته و جانهای پرکشیده این قیام قابل مقایسه با دو جنبش اجتماعی

# سأهل نصد

## رهبانان اما الله مه انالله

پیشین نیست. رهبری قیام در وجود یک مرجع تقلید متمرکز شد و با اینکه تبعید گردید، اما پیوندهای او با توده‌ها نه تنها گسیخته نشد، بلکه در گذر زمان تقویت گردید. اتهاماتی که شاه نثار قیام ۱۵ خرداد می‌کرد - ارتجاع سیاه، دخالت دست بیگانه، همگامی فتودالها و روحانیان و... - نشان از نفرت او از این حادثه داشت. این قیام آستن دگرگونی به مفهوم رد نظام موجود و جایگزینی حکومت جدید بود.

۹

رهبر قیام برای تبیین رابطه علی و زدن پلی تاریخی میان مبدأ و مقصد نهضتی که بزرگترین دگرگونی تاریخ معاصر ایران را دربرداشت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۵ خرداد را روز عزای ملی اعلام کرد؛ آن هم با قید «همیشه»: «من روز ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می‌کنم و برای بزرگداشت شهدای خویش در این روز بزرگ در مدرسه فیضیه به سوگ می‌نشینم.» اگر یک بُعد این موضوع به بزرگداشت شهدای آن روز مربوط شود، بُعد دیگر، اشاره به روزهایی دارد که در آیین تشیع ماندگاری تاریخی پیدا کرده‌اند؛ روزهایی که در آنها غم و سیاست به هم گره خورده‌اند و از پس یک هزاره همچنان زنده و حاضرند. ۱۵ خرداد یک روز اندوهگین سیاسی بود که هر چند در گام نخست خود شکست خورد، اما چنان ظرفیتی داشت که توانست مبنای تحولی به نام «انقلاب اسلامی» باشد. امام خمینی برای تأکید بر نقطه آغاز انقلاب، بارها از ۱۵ خرداد نام برد و در بیان ماهیت این نهضت، ماه محرم و رخداد نیمه خرداد را در کنار هم یاد کرد: «ملت ما نه محرم را که شاهد قتل عامهای وحشیانه جباران است، فراموش می‌کند و نه ۱۵ خرداد را که سرآغاز نهضت اسلامی روحانیت است.» ماهیت دیگرگون قیام ۱۵ خرداد نسبت به دو نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت، تنها عاملی است که توانست آن را منشأ پیدایش حرکت بعدی (انقلاب اسلامی) قرار دهد.